

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: آنخار کوچنیوا (Ankhar Kochneva)*

برگرداننده متن: ا. ن. شیری

۲۹ سپتمبر ۲۰۱۵

پناهندگان جعلی، یا چه کسانی در واقع اروپا را ضبط می کنند

بیش از یک ماه است مسأله مهاجرت دسته جمعی از خاورمیانه، در وهله اول از سوریه به اروپا به یکی از بحث انگیزترین موضوعات در فضا یرسانه ئی جهان تبدیل شده است. صرفنظر از رفتارهای بسیار سؤال بر انگیز مهاجران تازه وارد به دنیای قدیم، شمار بسیاری از اروپائیان رؤوف از هیچ کوششی برای ارائه کمک به انسانهای محروم و ستمدیده فروگذاری نمی کنند... با این وجود، "پناهندگان" همه چیز، و البته، بیشتر و رایگان می خواهند.

برای عبور غیرقانونی پول هنگفتی پرداخت می نمایند، بر اساس برخی گزارشها، از ۲۰۰۰ تا ۳۰۰۰۰۰ دلار به ازای هر عضو خانواده، بسته به راحتی و نوع وسیله حمل و نقل، وجود یا عدم وجود خطرات در مسیر. در عین حال، به تأیید همه آنهائی که روند مهاجرت را زیر نظر دارند، سطح مطالبات این مهاجران "نگون بخت" بسیار بالاست و همه آنها تیلفونهای همراه گرانتیمنت با خود دارند.

اغلب تحلیلگران در این موضوع متفق القولند، که همه پناهجویان انسانهای گرفتار شده در شرایط سخت نیستند. اغلب آنها کسانی نیستند که دار و ندار خود را از دست داده و فقیر و بی چیز مانده اند. اگر آنها را به طور شرطی دسته بندی کنیم، هجوم آورندگان به شهرهای اروپا را می توان به چهار دسته تقسیم نمود.

دسته اول - کسانی هستند که همه دارائی خود اعم از اموال منقول و غیر منقول مانند ملک، ماشین، کسب و کار خود را در سوریه فروخته، به خارج از کشور، به جاهای دنج و دور از مناقشه می روند.

دسته دوم - شبه نظامیان، آدمربایان، سارقان و نظایر آنها هستند که جیبهای خود را به حساب غارت اموال و دارائی همسایگان پیشین و هموطنان خود پر کرده اند. بازگشت این دسته به سوریه مشکل است. زیرا، آنها حتی اگر نه از سوی دولت، بلکه، از طرف آسیب دیدگان و نزدیکان آنها تعقیب و مجازات خواهند شد (قابل توجه این که، سوریه کشور چندان بزرگی هم نیست).

دسته سوم - افرادی هستند که بیش از یک سال درخاج از سوریه (برای نمونه در ترکیه یا لبنان) مقیم بوده و در آنجا هم منبع خوبی برای امرار معاش داشتند، پولی اندوخته و جنگ را هم نه این که به چشم، حتی از مدتها پیش ندیده اند.

دسته چهارم - پناهندگان واقعی از مناطق جنگی کسانی هستند که خویشاوندان و دوستان آنها در خارج هزینه سفرشان را تأمین می کنند.

اکثریت انسانهای مقیم سوریه اجازه مهاجرت "پرداختی" به خود نمی دهند. میانگین حقوق در اینجا بیش از ۷۰ دالر نیست، ماهیانه ۱۰۰ دالر حقوق بالا محسوب می شود. اکثریت خانواده ها فقط یک نان آور دارند، به همین دلیل فقط کسانی می توانند چند هزار دالر پس انداز نمایند، که به نحوی کار و کسب ثابتی دارند. اما در شرایط کاهش قدرت خرید عمومی، شمار چنین افرادی به طور مرتب کاسته می شود. افزون بر این، دریافت حقوق ثابت فقط در مناطق غیرجنگی مقدور است. به سخن دیگر، اکثریت شهروندان سوریه نه این که در اثر بمبارانها یا وحشیگری های داعش، بلکه، از جاهای کاملاً امن به اروپا فرار می کنند و تقریباً همه آنها تا رسیدن به اروپا به واقع در سوریه زندگی می کردند. کسانی که به اروپا فرار می کنند، از سطح رفاه نسبتاً خوبی برخوردار بوده و در فقر و تنگدستی به سر نمی بردند.

مجتمع عظیم چادرهای پلاستیکی دست ساز با دبرکهای چوبی در چند کیلومتری مرز سوریه در وادی بقاع لبنان واقع است. کف آنها با مخلوط سیمان سفت شده و بچه های کوچک فاقد اسباب بازی روی این "کف" بازی می کنند. شبها روی همین کف پارچه پهن می کنند و همه اعضای خانواده روی کف سیمانی می خوابند. گرم کردن چادرها در فصل زمستان و خنک کردن آنها در گرمای تابستان تقریباً ممکن نیست. زمستان گذشته برف سنگینی دره بقاع را پوشاند. چندین کودک از سرما مردند. همه جا بشدت غیربهداشتی و کثیف است. مصالح چادرها به حساب ساکنان آنها خریداری می شود. به گفته پناهندگان، ساخت یک چادر بزرگ و خوب، برای آنها تقریباً به قیمت ۶۰۰ دالر تمام می شود. کسانی که هنگام آمدن این مبلغ پول نداشتند، در آلودگیهای کوچک پناه گرفته اند (برخیها از سه سال پیش در این آلودگیها به سر می برند). خلاف تصور بعضی ها، کمکهای سازمان ملل متحد به هر یک از پناهندگان در لبنان، ماهانه ۱۳ دالر است. علاوه بر این، حتی همه پناهندگان این کمک ناچیز را هم دریافت نمی کنند. کمک مالی به بعضی خانواده های ۱۵ نفره را بر اساس سرانه ۵ دالر حساب می کنند (مجموعاً ۶۵ دالر در ماه). زندگی با ماهانه ۶۵ دالر در یک کشور نسبتاً گران مثل لبنان، حتی برای یک نفر بدون نیازمندیهای خاص کفایت نمی کند. در عین حال، خود کارکنان "سازمانهای خیریه" ماهانه ۲۰۰۰ دالر، یعنی ۱۵۳ برابر بیشتر از گرفتار شدگان به فقر که دار و ندار خود را از دست داده اند، حقوق می گیرند. بسیاریها شکایت از آن دارند که پس از تولد کودک دیگر در خانواده، سازمان ملل متحد خانواده آنها را از لیست ارائه کمکهای پزشکی انساندوستانه خارج می کند. هیچ یک از آن تعداد کثیر کودکان (بعضی خانواده ها ۱۰ بچه دارند) به مدرسه نمی روند. آنها به مراکز معاینات پزشکی و درمانگاههای اردوگاهها معرفی نمی شوند. در باره یک خانواده که طفل نارس در آن به دنیا آمد و مدتی در دستگاه مخصوص بیمارستان نگهداری شد، می گویند از پدر او به ازای مدتی نگهداری طفل، ۳ هزار دالر تقاضا کردند. این در حالیست که هر عضو خانواده ماهانه ۱۳ دالر کمک دریافت می کند! ساکنان اردوگاه با استهزاء می پرسند این اروپایی که فقط کرایه راه یک بار رفت و برگشت به بیروت را برای یک ماه زندگی ما می پردازد، چگونه است؟ ضمناً، دریافت کنندگان کمک ناچیز حق کار کردن ندارند. پرسیدن لازم است: صاحب زمین بی زمین، چوپان بی گله که از جنگ فرار کرده، در لبنان به چه کاری می تواند مشغول شود؟

وضعیت کسانی که حرفه ای دارند، در لبنان کمی بهتر است. اکثریت سوریها در آنجا در کارهای ساختمانی یا در بخش خدماتی به کار مشغولند. بسیاریها از بدرفتاری صاحب کاران لبنانی شاکی اند. تقریباً همه آنها از عدم پرداخت دستمزدشان حرف می زنند. می گویند شکایت بی فایده است و در همه حال حق به جانب لبنانی ها خواهد بود که خویشاوندان و آشنایان زیادی دارند. شاغلان در کارهای خطرناک به طور کلی فاقد هر گونه بیمه سلامتی و زندگی هستند. کسانی که برای مردم کار می کنند، اگر چه نه در چادرها، اما در اماکن غیر قابل سکونت برای انسان و در

شرایط به حد کافی سخت به سر می برند و تغذیه می کنند. اکثریت شاکي از آنند که دستمزدشان برای تأمین مخارج جاری بسختی کفاف می کند. در بهترین حالت، خویشاندان از سوریه برایشان پولی می فرستند. البته، برخی ها هم موفق شدند پول کافی برای ورود غیرقانونی از طریق ترکیه به المان به دست بیاورند. اما تعداد اینها انگشت شمار است. علاوه بر این، همه سوریه‌های مقیم لبنان از قانون ضد انسانی لبنان که بر اساس آن هر فرد خواهان اشتغال به کار در این کشور موظف است یک نفر ضامن معرفی نماید، ناراضی هستند. اما هر لبنانی مایل به کمک برای فراریان حق ندارد آنها را ضمانت کند. طبق قانون، ضامن باید دارای ملک شخصی و دیگر شرایط لازم باشد و هیچ کسی هم نمی خواهد مسؤلیت غریبه بی بضاعت را به عهده بگیرد.

به موازات اینها، قریب یک میلیون نفر به علت انقضای تاریخ اعتبار مدارکشان از خطر اخراج در اولین مواجهه با نیروهای انتظامی بیمناکند. چرا دولت سوریه از لبنان لغو این موازین غیرانسانی را خواستار نمی شود، هیچ یک از سوری های فراری به لبنان این مسأله را درک نمی کند. هیچ کس هم مایل نیست از قانون تخطی نماید، اما دولت لبنان تدابیری برای تنظیم اسناد اندیشیده که فقط افراد دارای استطاعت مالی می توانند به طور قانونی به این کشور بیایند. علاوه بر این، ورود مجدد به لبنان برای سوریه‌هایی که به خاطر انجام کاری به سوریه برمی گردند، بیش از حد دشوار شده و این در حالیست که شبه نظامیان و قاچاقچیان اسلحه از بخشهای حفاظت نشده مرزها براحتی تردد می کنند. مردم بسیار آرزو دارند ۹ سال پیش سوریه در روزهای جنگ لبنان و اسرائیل بیش از یک میلیون نفر جنگ زده لبنانی را با آغوش باز پذیرفت و هیچ گاه نه پولی برای ثبت نام آنها گرفت و نه ضامنی از آنها خواست. در اینجا اما، در هر قدم اخاذی می کنند. از حق و حقوق خبری نیست. حتی از کسانی که مهلت اقامتشان در لبنان منقضی شده، هنگام اخراج به سوریه، مبلغ بزرگی به عنوان جریمه اخذ می کنند. مرگ سوریه‌ها در خاک لبنان نیز با عواقب فاجعه بار برای بازماندگان همراه است. برای دفن شهروند مرده سوریه فقط مقامات ذیربط تریپولی، شهر شمالی لبنان حق صدور مجوز دارند آن هم نه رایگان (به طور میانگین، در حدود ۲۰۰۰ دلار). مخفیانه می گویند که افراد بی پول مجبوراند فرد متوفی خود را پس از تلاشهای زیاد بروال انسانی دفن نمایند، مرده خود را مخفیانه در کوه ها دفن می کنند و اغلب اجساد مردگان طعمه سگهای ولگرد گرسنه می شود. بدین ترتیب، زیاده خواهان مهاجم به اروپا، که معلوم نیست چرا رسانه های جهانی آنها را فراری می نامند، فقط در فکر انحراف توجه جامعه جهانی هستند. آنها می خواهند با این شیوه کمکهای رایگان و اشیاء مورد نیازشان را بگیرند که در صورت عدم پرداخت پول به ازای "خدمات" سازماندهندگان قاچاق خود براحتی می توانستند بخرند. این در حالیست، که سوریه‌های واقعاً نیازمند در لبنان و در خود سوریه به بقاء در شرایط سختی محکوم شده اند. هنوز به عقل کسی خطور نکرده که در خصوص درد و رنج آنها یک برنامه تلویزیونی تهیه کند.

* - متخصص زبان عربی، وبلاگنویس و روزنامه نگار اوکرائینی

منبع: تارنمای جنگ و صلح

<http://www.warandpeace.ru/ru/reports/view/105191/>

۶ مهر - میزان ۱۳۹۴